

مصرفی می‌خواهد استفاده کند؟ حدود دو میلیون نفر در مراجعه ۲۵ میلیون نفری به این بازار، مشتری صنایع هستند و اگر در این بازار جنس خوب با کیفیت و مطابق ذائقه روز عرضه شود، باعث جذابیت صنایع فرهنگی می‌شود.

وقتی جذابیت بود خیلی از تولید کنندگان و عرضه کنندگان به علت اینکه بازار بزرگ تضمین شده در اختیارشان قرار داده ایم، حاضرند هزینه‌های اولیه برای حضور در این بازار را بدون کمک و تسهیلات دولتی بپردازند، در واقع یک مدل خودگردان خواهد شد. اما بحث اصلی این است که متولی بافت اطراف حرم رضوی مجال بدهد صنایع فرهنگی در آنجا عرضه شوند. اگر صاحبان بازارها و برج‌های اقتصادی مراکز تجاری خودشان در اختیار صنایع فرهنگی بگذارند، در واقع سرمایه‌گذار را هم جهت داده ایم. در توسعه یک اصل داریم که "حلقه‌های توسعه باید همدیگر را پیش برده و درون‌زا باشند". بطور مثال در اطراف حرم اگر مجال برای بازاری بزرگ فراهم باشد همه عوامل آن اعم از سرمایه‌گذار، تولید کننده و بازاریاب می‌آیند و مشارکت در ساخت می‌کنند، این همان عامل سوم در توسعه به نام "اقدام مشترک" می‌باشد. کلید این اقدام مشترک همان بازار بزرگ است، در صورت عدم وجود بازار بزرگ انگیزه برای هیچ کدام از عوامل فوق نبود که با هم جمع شوند؛ در این صورت می‌توان یک نهاد مشترک مثل یک گروه صنعتی، اتحادیه یا یک انجمن ایجاد کرد که طرف قرارداد با دولت باشند. این نهاد جمعی باعث تسهیل در مسیر توسعه شده و در واقع تولید کنندگان را راه می‌اندازد.

در حال حاضر دولت به طور عکس عمل می‌کند، به تولید کنندگان وام می‌دهد ولی بازارشان را ایجاد نمی‌کند که باعث از بین رفتن تمام این تسهیلات می‌شود. اگر ابتدا تأمین بازار کند حتی حمایت و تسهیلات نکند، همه عوامل به خاطر وجود بازار جذاب در کنار هم قرار می‌گیرند و یک موتور اقتصادی ایجاد می‌کنند.

### چه کنیم که سرمایه‌گذار به سمت بازار صنایع فرهنگی برود؟

تا زمانی که تولید کنندگان صنایع فرهنگی، اعم از عوامل طراحی تا تولید با هم جمع نشوند و یک نهاد جمعی نداشته باشند، نمی‌توان

تا زمانی که تولید کنندگان صنایع فرهنگی، اعم از عوامل طراحی تا تولید با هم جمع نشوند و یک نهاد جمعی نداشته باشند، نمی‌توان انتظار داشت که بتوان بازار و سرمایه‌گذاران را به سمت بازار صنایع فرهنگی سوق داد. چرخه تولید با سرمایه‌گذاری شروع نمی‌شود و این تصور اشتباه است که اگر سرمایه‌گذار بیاید بقیه مسائل قابل حل است.

منتظر داشت که بتوان بازار و سرمایه‌گذاران را به سمت بازار صنایع فرهنگی سوق داد. چرخه تولید با سرمایه‌گذاری شروع نمی‌شود و این تصور اشتباه است که اگر سرمایه‌گذار بیاید بقیه مسائل قابل حل است.

سرمایه‌گذار یکی از عوامل است ولی شروع کننده نیست. تولید کنندگان باید با هم متشکل شوند در حالیکه در کشور ما متکثرند. در واقع ما به یک تشکل تولیدی نیازمندیم نه یک بنگاه تولیدی. وقتی تشکل تولیدی شکل گرفت می‌تواند با سرمایه‌گذار و یا نهادهای دولتی تعامل کرده و تولید را وارد این بازار کند.

من معتقدم اگر در حال حاضر یک اتحادیه مثلاً نرم‌افزاری‌های رایانه‌ای در مشهد شکل بگیرد، حتماً جایگاه خودش را در بازار اطراف حرم پیدا می‌کند چون در نهایت تعامل کرده و خواسته‌هایش را عنوان می‌کند.

اگر متولیان امر، تولید کنندگان، اصحاب هنر و اقتصاد را تشویق کنند که نهادهای جمعی حرفه‌ای به وجود بیاورند و این تشکل‌های جمعی دخیل در سیاست‌گذاری و توسعه بازار حرم شوند و موازی با آن، به سرمایه‌گذار جهت داده شود، توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد.

متولیان توسعه شهر مشهد، آشنایی و تسلط در توسعه اقتصادی نداشته‌اند و نگاه‌ها به صورت سنتی بوده است که اقتصاد را تنها در تجارت کالاهای بسیار متنزل و سطح پائین خلاصه کرده‌اند. در صورتی که مشهد به طور نمونه دارای پتانسیل بالا در IT دارد که می‌توان از آن استفاده کرد.

### چه کسی باید نسبت به توسعه پاسخگو باشد؟

ما "نیاز به یک تشکل داریم که نسبت به توسعه پاسخگو باشد"، یعنی یک بنگاه

این‌که ما فرهنگ را در حد یک موزه بدون جذابیت خلاصه کنیم و مدعی باشیم که از فرهنگ تولید ثروت نمی‌شود و سپس مشهد فرهنگی را به مشهد تفریحی با هزینه بالا و گران قیمت تبدیل کنیم که فقط یک طبقه خاص اشرافی از آن‌ها استفاده کنند، فقط از بین بردن فرهنگ رضوی نیست بلکه سابقه تاریخی و مذهبی این شهر را نیز ندیده انگاشتیم.

گردشگران خارجی، عربی و بچه‌های شیعیانی که از کشورهای بیداری اسلامی می‌آیند، عرضه کنیم. بودن بازار در کنار مسجد جامع در قدیم نشان از این بوده است که دین، مذهب و اقتصاد با هم در تعامل بوده‌اند و حوزه عملیه، بازار و مذهب در کنار هم یک جامعه کامل را شکل می‌دهند.

از حرم که بیرون بیایی تمام معنویت کسب شده به طور کل از بین رفته و هیچ نشانی از این معنویت دیده نمی‌شود، یعنی بازار اطراف حرم هیچ ربطی به حرم ندارد. این یعنی وادادگی در مقابل هر آنچه که اتفاق افتاده و مسئولین هرچه زیرساخت فیزیکی (پل، زیرگذر، اتوبان، پارکینگ طبقاتی) ایجاد کنند توسعه نبوده است؛ زیرساخت لازم بوده ولی نماد برنامه ریزی برای توسعه نیست. توسعه واقعی یعنی اینکه نرم‌افزار توسعه را ایجاد کنیم و آن را هدایت کنیم.

### اگر مسیر فعلی را ادامه بدهیم...

ادامه مسیر و روند فعلی توسعه شهر مشهد این سوالات را مطرح می‌کند: اگر افشار مذهبی به این نتیجه برسند که شهر مشهد به خاطر بافت ناسالم و اشرافیت شکل گرفته و فرهنگ مذهبی تضعیف می‌شود، مهاجرت می‌کنند، آن وقت چه کسی جوابگو می‌باشد؟

اگر حوزه تاریخی مشهد تضعیف و روند توسعه علمی درجا بزند، چه کسی پاسخگو است؟

اگر جوانان مسلمان از کشورهایی انقلابی به گمان اینکه با حضور در مشهد ظرفیت خودشان را در خصوص معارف اسلامی و فرهنگ انقلابی تقویت میکنند با خلاف آن روبه رو شوند، چه کسی پاسخگو است؟

به نظر می‌آید اتاق‌های فکر مختلفی باید در سطح جوانان، حوزه، دانشگاه در ابعاد مختلف شکل گرفته و شروع به کار کنند، نهادهای جمعی در بخش تولیدی و اقتصادی شکل بگیرند که نسبت به آینده توسعه در کشور، شهر یا منطقه پاسخگو باشند و از طرفی استانداری و نهادهای کلان یک نگاه نرم‌افزاری عمیق نسبت به توسعه آینده مشهد داشته باشند.

باید اقتصاد زیارت را در شهر مشهد ساماندهی کنیم، به این معنا که از صفر شروع کنیم چرا که موجودیت فعلی در مشهد یک آشفتنگی و وادادگی بوده و هیچ ربطی به اقتصاد زیارت و فرهنگ و پایتخت معنوی ندارد.